

وطنم



استاد صباح

وطن

زتوبا خط جانم می نگارم
میان دفتر دل می گذارم
وطن با نم نم چشمم نوشتم
به شوق نام تواشکي ببارم.
باتور (دوستم)؛ در مسیر سیاست



صحبت و حرف و حدیثهای فراوانی که با الحاج باتور (دوستم) رهبر جوان؛ پرتلاش صمیمی؛ خوش
برخورد و هدفمند {ج م ا} داشتم و در جریان صحبت و تبادل سخن ویرا جوان بی نهایت هدفمند؛ وطن
پرست؛ مردم دوست و شجاع وزیرک یافتم. از کلامش اعتماد به نفس و عملگرایی می جوشید و در هر حرفش

پیوسته از مردم ستم دیده میهن و از وطن رنج کشیده سخن می گفت و تلاش داشت تا مسیر های را جستجو نماید که بتواند سریعتر و موثرتر درد و طنداران و غم هم میهنانش را مدوا نماید.
 باتور جوان ؛ از آرزو مندی هایش برای آرامی وطن و خوشبختی مردم سخن می می گفت:
 « آرزوی دارم و وطنم را سرسبز و مردم را خوشبخت ببینم و تلاش داریم تا با همزمان ؛ همفکران ؛ اندیشمندان و همدلان جنبش را بسوی همدلی و همیاری و همنشینی رهنمون شویم و با همکارانم در شورای مرکزی (ج م ا) به خانه خانه هموطنانم برویم و درد و رنج بی شماری آنانرا فریاد بزنیم و با غم و اندوه شان شریک و با خوشبختی و سعادت شان بخندیم و پایکوبی کنیم .»
 باتور (دوستم) در مورد توطئه ها در جنبش میگوید:

« دیگر زمان توطئه چینی ها ؛ دسیسه گری ها ؛ من منگویی ها و پنج چارگی ها در حزب ما به پایان رسیده است و همه چون تن واحد منسجم و همنظر به پیش می رویم . خدا را شکر گزارم جوانانی شجاع و هم حزبی های رادشورای مرکزی داریم که همه فکر هوش شان به رهبر و موسس جنبش ؛ به حزب میلیونی جنبش ؛ به ترکتباران غیور ؛ به هموطنان آزاده وطن و به روشنفکران و دانشمندان است و درین راستا آماده خدمتگزار می اند.»

باتور (دوستم) نویسنده گان و نشریه های بیرون مرزی و جامعه مدنی



در دیداری که با الحاج باتور (دوستم) رئیس شورای مرکزی حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان داشتم ؛ هربار سخن را رابه غربت رفتگان هموطنش در کانادا و آمریکا می کشاند و از همدلی و همیاری و طندارانش در خارج از کشور می پرسید.

با تور جوان قرار گذاشت که به موقع مساعد با روشنفکران و هم اندیشان مسافرش دیداری داشته باشد.
 رهبر و موسس جنبش و معاون اول ریاست جمهوری و دوستم جوان رئیس حزب جنبش – از فعالیتهای روشنگری ، فرهنگی ؛ هنری و مدنی هموطنانش پیوسته می پرسید و سلام های فروانی به جامعه مدنی ، مسولین رسانه ها و نویسندگان تقدیم نمودند.
 و آنان شخصاً از فعالیتهای اکتیف نشریه های :

کابل پریس ؛ حقیقت ؛ اندیشه نو ؛ آریایی ؛ میهن ؛ اصالت ؛ وطندار ؛ همایون ... با قدر دانی یادآوری نمود
 و از من خواهش نمود که سلام و احترام فراوان معاون نخست ریاست جمهوری و رهبر و موسس (ج م ا)
 و شورای مرکزی جنبش و شخص خودش را به (عمر فیض) مدیر مسول نشریه حقیقت ؛ (کامران میر هزار)
 مدیر کابل پریس ؛ (ثنا متین نیکی) مدیر و صاحب امتیاز اندیشه نو ؛ (فضلی) مسول نشریه اصالت ؛
 (انجنیر نور ضیا فرین) مدیر نشریه میهن ؛ (عزیز جرئت) مسول نشریه آریایی ؛ (انجنیر عمر محسن زاده)
 و انجنیر هما یوسفی صاحب امتیاز و مدیر نشریه وطندار ؛ به مسولین نشریه همایون (نوری) و همایون
 عزیز می تقدیم نمایم و آرزو داریم تک تک شانرا از نزدیک ببینیم .
 معاون اول ریاست جمهوری و باتور (دوستم) رئیس شورای مرکزی جنبش سلام و احترامات خاص و فراوان
 خود را به اعضای جامعه مدنی و روشنفکران مقیم کانادا و آمریکا رسانده و برای شان صحت و سعادت
 آرزو نمودند .

باتور (دوستم) و ترکیه



اگر شاه امان الله خان غازي در حدود یک قرن قبل سنگ محکم دوستي افغانستان و ترکیه رابا مصطفي کمال اتاتورک

(پدترکها) گذاشت و الجاج باتور (دوستم) سنگ بنایي دوستي افغانستان و ترکیه رامستحکم ؛ دایمي و رنگین نمود.

قصه‌ی ازدواج باتور (دوستم) در کنار دوستي خلفه‌های دو کشور؛ نه مصلحتي و نه هم از روی سیاست، بلکه انتخاب دو جوانی بود که در جریان تحصیل در دانشگاه غازي در ترکیه رقم خورده است.

باتور (دوستم) فرزند ارشد رهبر و موسس (ج م ا) در دانشگاه غازي در شهر انقره، پایتخت ترکیه، حقوق خوانده و «بانو بلیس» ، دختر جنرال مصطفی لیوانت چولاک، در این دانشگاه با او هم‌صنفي بوده است.

آشنایی و دوستی این زوج جوان نیز از همین جا شروع می‌شود. آنان تصمیم می‌گیرند تا باهم ازدواج کنند و سپس خانواده‌های هر دو به این وصلت موافقت می‌کنند. سرانجام جشن نامزدی آن‌ها اول ماه جولای

2018 در انقره با حضور ستر جنرال عبدالرشید (دوستم) معاون نخست ریاست جمهوری و رهبر و موسس ج م ا- برگزار شد.

این مراسم خودمانی و متفاوت برگزار شده است.

جنرال مصطفی لیوانت چولاک یکی از جنرالان مقدر و ارشد ترکیه است که در افغانستان نیز ماموریت انجام داده است.

در اکتوبر ۲۰۰۹ او فرماندهی زون مرکزی نیروهای بین‌المللی حافظ صلح یا آیساف را بر عهده گرفت. او متولد ۱۹۶۱ می‌باشد و تحصیلات عالی خود را دانشگاه نظامی ترکیه به پایان رسانده است.

جشن نامزادي (باتور و بلیس) چگونه برگزار شد؟؟؟



حدود یک سال قبل جشن نامزدی باتور جوان و بانو بلیس در انقره در فضای متفاوت برگزار شد. حدود ۲۵۰ نفر از دوستان و نزدیکان معاون اول ریاست جمهوری افغانستان و جنرال چولاک در این مراسم دعوت شده بودند. جنرال دوستم در این مراسم پیوند باتور و بلیس را تبریک گفت و تاکید کرد که - می‌توانستم هزاران نفر با ساز و سرود و پای‌کوبی دعوت کنیم اما نخواستیم بسیار با کش و فش این مراسم را تجلیل کنیم.

این رویدادی پای شمار زیاد از چهره های سیاسی کشور را به ترکیه کشاند.

نامزدی این دو جوان از دو کشور امر تازه‌ای نیست اما آن‌چه این پیوند را برجسته می‌سازد، جایگاه عروس و داماد در دوستي مستحکم مردمان دو کشور است.

فرزندان بسیاری از سیاست‌مداران در افغانستان و کشورهای دیگر در ادامه زندگی، همسرانی از طیف خودشان برگزیده‌اند. این انتخاب گاهی بر اساس خواست دو شخص نبوده بل که بر اساس مصلحت‌های

سیاسی، اقتصادی و اجتماعی انجام شده است. در گذشته شاهان افغانستان نیز برای خود و فرزندان شان، برای گرفتن عروس دست به انتخاب سیاسی زده‌اند. بر ایند چنین وصلت و ازدواج‌ها، حمایت‌های سیاسی و اقتصادی از خانواده یا شخص داماد، شهزاده و شاه بوده است.

در جشن نامزدی باتور و بلیس شماری از مقامات ارشد افغانستان و ترکیه نیز شرکت کرده بودند. محمد محقق، معاون دوم ریاست اجرایی، صلاح‌الدین ربانی وزیر امور خارجه و عطا محمد نور والی ولایت بلخ از افغانستان و چندین مقام حکومت و وزارت خارجه ترکیه و دیگر دوستان شخصی جنرال دوستم در این مراسم دعوت شده بودند.

عملکرد باتور «دوستم»



باتور (دوستم) جوان و نیرومند و آماده خدمت صادقانه و وطن‌دوستانه مانند پدرش ستر جنرال جنرال عبدالرشید «دوستم» معاون اول ریاست و رهبر محبوب و دوست داشتنی جنبش؛ بیشترین اوقات خود را صرف کارسازمانی؛ هدفمندان؛ جوان‌گرایی و ملاقات با هیئت رهبری جنبش و مردم و وطنش میکند. زحمت کشان؛ روشنفکران و جوانان جوقة - جوقة به دیدارش می‌یابند. با تور دوستم هم باحوصله مندی به سخنان ایشان گوش فرا میداد و بعداً به ارائه جوابات می‌پردازد و مشکلات مردمش را رفع می‌کند. باتور جوان ریس بنیاد (دوستم) است و کمک‌های بنیاد (دوستم) را به ستمدیده‌گان و محرومین می‌رساند و از این خدمت‌گذاری لذت می‌برد.

باتور جوان نسبت تراکم کار در یک شبانه روز پنج ساعت هم خواب نمی‌کند. وی تا ساعتهای چهار و پنج صبح به امورات رسیده‌گی می‌کند و صبح نیز از همه کرده بیشتر از خواب بلند می‌شود و مصروف کار روزانه می‌شود. من چند باری که ساعتهای چهار و پنج صبح به وی زنگ زده‌ام و با اولین زنگ به تلفونم جواب داده است. از وی پرسیده‌ام: مگر نخواهید بیدار شوید؟ بدون معطلی گفته است: می‌خواهم کارها را سر و سامان بدهم و به امورات حزبی و اجتماعی رسیده‌گی نمایم.

واقعاً اداره کردن حزب میلیونی (ج م ا) کار ساده و آسانی نیست.

باتور (دوستم) و حزب جنبش



الحاج باتور (دوستم) با جوانان همفکرش و همیاران هم نظرش شب و روز تلاش دارند تا بسوی جوان‌گرایی؛ همدلی؛ همفکری و هم اندیشی در حزب جنبش به پیش بروند، باتور جوان بایاران صدیقش باشیوه‌های جدید و صداقت‌مندان کار منسجمی را در جنبش آغاز کرده‌اند و با آمدن رهبر جوان (باتور دوستم) کار جدی و نوگرایی در جنبش آغاز گردیده است و این یاران همدل تلاش دارند تا حزب جنبش را به نهاد فراگیر؛

سراسري و ملي مبدل نمايند و به اندیشه و اهداف رهبر بزرگوار جنبش (جنرال دوستم) معاون اول رياست جمهوري سرعت بدهند تا حزب جنبش را دريچه ي به سوي روشنايي و همگرائي هدايت کنند. فهم ، برده باري و جوان بودن و حوصله مندي (دوستم) جوان بسياری ها را به گمانه زنی در باره افزايش قدرت و صعود وي به پله های بالای رهبری در جامعه واداشته است . باورها بر اين است که باتور دوستم جوان دست و آستين را بر زده تا وارد کارزار سياست کلان ملی شود و بتواند در حضور پدر، همچنان حرف جدی در معادلات سياسی کشور داشته باشند. موفقيت و بهر وزي باتور جوان حتمي به نظرمي رسد.